

بسم الله الرحمن الرحيم

دوست من، ضمن عرض سلام و تبریک به مناسبت فرا رسیدن ولادت امام مهربان‌مان، حضرت حجت بن حسن عسکری علیه‌السلام، و نیز تبریک مجدد از فرصت مجدد برای خدمت‌گزاری جناب‌عالی در پیشگاه وجود مقدس ایشان، در ادامه متن مختصری به حضورتان می‌رسد که در مقام سخنران مراسم می‌توانید به ذکر آن بپردازید. لازم به تذکر است در اختیار قرار گرفتن این مجموعه کوتاه، مانع به کارگیری خلاقیت و ظرافت‌های شخصی شما در مدیریت فضا نیست و در نهایت این درایت شماست که به هرچه باشکوه‌تر برگزار شدن مراسم کمک می‌نماید. در پایان نیز ضمن آرزوی توفیق الهی و همراهی دعای خیر امام عصر علیه‌السلام برای شما، نکاتی چند را یادآور می‌شویم:

۱. ظاهری آراسته، برازنده‌ی خدمت‌گزاران امام عصر است.
۲. پیش از اجرای مراسم، نیت فرمایید و برای اجرای هرچه بهتر و مطابق‌تر با نظر امام عصر، از ایشان درخواست یاری فرمایید.
۳. سخنرانی را در پیشگاه مدعوین، با نام خدا و دعا برای سلامتی امام عصر آغاز نموده و هرفرصتی را در این جمع، برای دعای تعجیل در فرج امام، مغتنم شمارید.

موفق و پیروز باشید.

نیمه شعبان ۱۳۹۹

مرگ شیطان

داستان شیطان شنیدنی، عجیب و عبرت آموز است. ماجرا از آنجا نقل می‌شود که خداوند پس از آفرینش آدم علیه‌السلام به فرشتگان چنین فرمود: «بر آدم سجده کنید». در پی این فرمان آشکار، «پس فرشتگان سجده کردند مگر ابلیس. او سرپیچی کرد و کبر ورزید و از کافران شد.» [بقره: ۳۶] پس از این نافرمانی، خداوند خطاب به ابلیس فرمود: «ای ابلیس چه چیزی تو را بازداشت از این که به آن چه به دست قدرتمند خویش آفریده‌ایم، سجده کنی؟ آیا کبر ورزیدی؟ آیا [گمان خود] از برتران بوده‌ای؟» [ص: ۷۵] ابلیس ضمن اعتراف به این که آفریده‌ی خداست، عامل سرپیچی از فرمان خدا را چنین بیان کرد: «من از او بهترم؛ مرا از آتش و او را از گل آفریدی». از پس این نافرمانی، از سوی خداوند خطابی این چنین آمد: «از بهشت بیرون شو... به راستی که تو رانده شده‌ای». افزون بر آن، خداوند فرمود: «و همانا تا روز (قیامت) نفرین من بر تو باد». [ص: ۷۸-۷۶]

گفتنی است که ابلیس در اصل از نسل جن بود که بر اثر کثرت و شدت عبارت، در زمره و مرتبه فرشتگان قرار گرفته بود؛ چنان که قرآن می‌فرماید: «او از جن بود، پس، از فرمان پروردگارش سرپیچی کرد». [کهف: ۵۰] شیطان چون از درگاه خداوند رانده شد، چنین درخواستی کرد: «پروردگارا، تا روز رستخیز به من مهلت بده». خداوند در پاسخ فرمود: «تو از کسانی هستی که تا زمان معلوم، مهلت و فرصت داده شده‌ای». [ص: ۸۰-۷۹]

آنگاه شیطان، گمراهی‌اش را به خدا نسبت داد و گفت: «به خاطر آنکه مرا از راه به در بردی، هر آینه [برای فریب دادن آدمیان] در راه راست تو، به کمین ایشان می‌نشینم. سپس، از پیش رو و پشت سر و سمت راست و سمت چپ [از هر سو] بر آنان در می‌آیم [آنان را می‌فریبم] و بیش‌تر آنان را سپاسگزار خویش نخواهی یافت». [اعراف: ۱۷، ۱۶] او برای فریب آدمیان سوگند خورد و گفت: «به عزت و بزرگی‌ات از خداوند سوگند می‌خورم که بی‌تردید تمام آدمیان را فریب خواهم داد، مگر بندگان مخلص تو را». [ص: ۸۳، ۸۲]

در تهدید دیگری چنین گفت: «من، بی‌تردید از بندگان بهره‌ای معین برمی‌گیرم. و حتماً آنان را گمراه می‌کنم و در دام آرزوها گرفتارشان می‌سازم. و فرمان می‌دهم تا [برای بت‌ها] گوش‌های چهارپایان را ببرند و آفرینش خدا را دگرگونه گردانند». شیطان برای رسیدن به اهداف شوم خویش از خداوند چنین درخواست کرد: «مرا به فرزندان آدم مسلط کن». خداوند فرمود: «چنان کردم». دوباره درخواست کرد: «نفوذ من در آنان مانند جریان خون در رگ‌ها باشد. اگر فرزندی برای آنان زاده شود، برای من دو فرزند زاده شود. من آنان را بینم ولی ایشان مرا نبینند. به هر شکلی که بخواهم بر آن ظاهر شوم. سینه‌هایشان جایگاه من و زاده‌هایم باشد». خداوند به او فرمود: «خواسته‌هایت را اجابت کردم». [بحارالانوار ۱۱: ۱۴۲] و نیز به او فرمود: «هرکسی را که می‌توانی با بانگ بلند خویش از جای بر کن. و با سواره نظام و پیاده نظامت بر آنان بتاز. و با ایشان در دارایی‌ها و فرزندان شریک شو. و به آن‌ها وعده بده. و البته شیطان جز وعده‌ی فریب و نیرنگ نمی‌دهد». [اسراء: ۶۴]

به این ترتیب، شیطان بر فریب آدم و آدمی‌زادگان همت گماشت و خداوند هم به او فرمود: «[این که گفتی بندگان خالص مرا نمی‌توانی فریب دهی سخنی] حق است و من نیز به حق و راستی می‌گویم که بی‌تردید جهنم را از تو و تمام

پیروانت پر می‌کنم». [ص: ۸۵-۸۴] از سوی دیگر، به آدمیان نیز هشدار داد که: «به راستی شیطان دشمن شماست. شما نیز او را دشمن شمارید [و با او دشمنی کنید.]». [فاطر: ۶]

خطر شیطان را نباید دست‌کم گرفت. او سوگند سخت خورده است تا تمامی فرزندان آدم را به ورطه‌ی پلیدی بکشد. همه را نابود خواهد کرد. گروه اندکی از چنگال خونین ریز او خواهند گریخت. تمامی قوایش را در هلاکت و فریب فرزندان آدم برمی‌انگیزد. راه راستی را که شیطان مارا از آن به بی‌راهه می‌کشد، همان ولایت علی علیه‌السلام است. از قضا در این کار توفیق ظاهری هم داشته است. مگر کاری نکرد که مسلمانان نخستین، همان مهاجر و انصار، دست از یاری جانشین پیامبرشان برداشتند؟ مگر امت اسلام در آزمون بزرگ ولایت شکست نخورد؟ مگر علی علیه‌السلام خانه‌نشین نشد؟ مگر رسماً و آشکارا، مسلمانان، بر خلاف توصیه اکید پیامبر بر مودت خاندان رسول خدا، به اهل بیت ظلم و ستم روا داشتند؟ مگر در خانه‌ی دختر پیامبر را آتش زدند؟ مگر ریسمان به گردن حیدر کرار نینداختند؟ مگر به جنگ با علی برخاستند؟ مگر او را نکشتند؟ مگر به حسن علیه‌السلام خیانت نکردند؟ مگر دست به خون حسین علیه‌السلام و فرزندان و یارانش نیالودند؟ مگر خاندانش را به اسارت نبردند؟ و مگر...؟ تمامی این حوادث شوم را شیطان آفرید. سرآغازش با شیطان بود. نخستین کسی که با خلیفه اول بیعت کرد، همو بود. قهقهه‌ی پیروزی شیطان گوش فلک را کر کرده است. گفتیم که ابلیس از خداوند تا روز رستاخیز مهلت خواست.

اما خداوند به او تا زمانی معین مهلت داد. آن زمان معین چه هنگام است؟ آیا ابلیس آن زمان را می‌داند؟ او فقط می‌داند آن «وقت معلوم» هنگامه مرگ اوست. از این روی بی‌آنکه زمان دقیق را بداند، آرزو می‌کند آن هنگام هرچه دیرتر فرا برسد. می‌کوشد آن را درنگاه و نظر دیگران، دور و ناشدنی بنماید. او خوب می‌داند وقتی امام زمان ظهور کند، یکی از اقدامات جدی و اساسی‌اش آن است که سرِ ناپاک او را از تن پلیدش جدا کند. در صحیفه و نوشتارهای حضرت ادریس نبی، ماجرای درخواست ابلیس و بشارت خداوند چنین نقل شده است:

آنگاه که ابلیس از خداوند خواست که تا روز قیامت به او فرصت بدهد، خداوند فرمود: «تا روز قیامت نه، اما تا زمانی معین مهلت خواهی داشت». آنگاه خداوند ویژگی آن دوران را چنین ترسیم و توصیف می‌فرماید: «آن زمان، همان روزگاری است که فرمان طعی داده و حکم حتمی فرموده‌ام تا زمین را از لوث و پلیدی کفر و شرک و معصیت کاملاً پاک کنم. برای آن دوران، بندگانی را برای خویش برگزیده‌ام که دل‌هایشان را در [پایداری و ایمان] آزموده‌ام و آن دل‌های پاک را از تمامی خوبی‌ها و خصلت‌های نیکو آکنده‌ام. دل‌های آنان پر می‌شود از: ورع و پاکدامنی، اخلاص و پاکی، یقین و تیزی، تقوا و پروا پیشگی، خشوع و فروتنی، صدق و راستی، حلم و بردباری، صبر و پایداری، وقار و سنگینی، پرهیزگاری و خویشنداری، زهد و چشم‌پوشی نسبت به دنیا و شوق و رغبت نسبت به آخرت. چنان منزلت و مرتبتی به آنان داده‌ام که چون خورشید و ماه را فراخوانند، خوشید و ماه، پاسخشان می‌دهند. ایشان را در زمین خلیفه می‌گردانم و دینی را که برایشان پسندیده‌ام، مکنت و قدرت می‌بخشم. از آن پس، فقط مرا می‌پرستند و چیزی را شریک و همتای من نمی‌شمارند. نماز را به هنگام، به‌پای دارند و زکات را در زمان، می‌پردازند. امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند. آن روزگار، روزگار شگفتی خواهد بود و آفرینش، به‌گونه‌ای دیگر رخ‌نمایی خواهد کرد. به قدرت خداوند قادر بر همه چیز، پدیده‌های هستی، ویژگی‌های دیگری خواهند داشت و دگرگونی می‌یابند». در دنباله‌ی بشارت خداوندی آمده است: «در آن زمان، هر چیزی که روی زمین باشد، به عنوان امانت، حفظ و نگهداری‌اش به عهده‌ی زمین گذاشته می‌شود. از همین رو، دیگر هیچ چیز به چیز دیگر زیان

نمی‌رساند و چیزی هم از چیزی خوف و هراس نخواهد داشت؛ چنان که جانوران خزنده و گزنده و چهارپا، در میان مردم خواهند بود و هیچ‌یک، دیگری را آزار و آسیب نمی‌رساند. نیش گزندگان از بین می‌رود و زهر و سم آنها نابود می‌شود. باران‌های پربرکت را آسمان فراوان می‌بارد و رویش زمین، جلوه‌های دیگری می‌یابد. زمین با رویشی نیکو، میوه‌های خوش آب و رنگ و فراوان، عرضه می‌کند».

این‌ها که نقل کردیم، نعمت‌هایی بود که در طبیعت رخ می‌دهند. دگرگونی‌هایی که در میان انسان‌ها پدید می‌آید، بسی دل‌انگیزتر و روح‌نوازتر هستند. در ادامه، چنین می‌خوانیم و شاهد و شکر در دلمان آب می‌شود و مشتاقانه، به آن دوران چشم می‌دوزیم:

«رأفت و رحمت در میان مردمان پدید می‌آید».

یعنی دشمنی‌ها، همه از میان می‌رود، کینه‌ها از دل‌ها زدوده می‌شود.

«دارایی، میان مردم به تساوی تقسیم می‌شود و نیازمندان بی‌نیاز می‌شوند. دیگر کسی بر دیگری بزرگی و برتری نمی‌جوید».

بدین ترتیب شکاف عمیق میان داراییان و ناداران که روز به روز هم عمیق‌تر و جهانی‌تر و خطرناک‌تر می‌شود، از میان می‌رود و منشأ و ریشه‌ی بسیاری از جنگ‌ها و خون‌ریزی‌ها نابود و خشکیده می‌شود.

«بزرگان بر خردسالان مهر می‌ورزند و خردسالان، بزرگسالان را بزرگ می‌شمارند و احترام می‌گذارند».

بنیاد بسیاری از خانواده‌ها به خاطر همین اختلاف و جنگ نسل‌ها، بر باد است. همان که در بی‌مهری پدران و مادران نسبت به فرزندان و بی‌اعتنایی فرزندان به پدران و مادران، رخ نموده است.

«مردم در برابر حق، سر تسلیم فرود می‌آورند و بر اساس آن، عدالت پیشه می‌سازند و حکم می‌کنند».

پس از بیان ویژگی عمل به حق در آن روزگار روشن، درباره‌ی پیروان حق در آن دوران چنین می‌فرماید:

«آنان اولیا و دوستان من‌اند که پیامبری برگزیده و امینی پسندیده برایشان اختیار کرده‌ام و او را پیامبر و رسول آنان قرار داده‌ام و آنان را هم دوستان و یاران پیامبر گردانده‌ام. آری، آنان امتی‌اند که پیامبر برگزیده و امین و پسندیده‌ام را برایشان اختیار کرده‌ام».

از این بیان به خوبی روشن می‌شود که وارثان زمین و پیروان مهدی، مؤمنان راستین به رسول خدا هستند. در دنباله، خداوند درباره زمان وقوع آن ماجرای قیامت‌سان خطاب به شیاطین چنین می‌فرماید:

«زمان آن حادثه را در علم غیب خود نهان کرده‌ام و البته ناگزیر واقع خواهد شد. در آن روزگار تو و همه لشکریانت را نابود خواهم کرد. اینک برو که تا زمانی معلوم، مهلت و فرصت داری». [بحارالانوار ۵۲: ۳۸۴]

بدین ترتیب شیطان دانست که زمان مرگ او، هرچند نامعلوم است، اما پیداست که در دوران ظهور حضرت حجت خواهد بود. از همین رو، با اشاعه‌ی ناامیدی و یأس، با جلوگیری از دعا و درخواست، با ترویج فساد و فحشاء و خلاصه به هر ترتیبی که بتواند، می‌کوشد، زمان ظهور هرچه بیش‌تر به تأخیر بیفتد و کاری کند که مردم آن را بسی دور بینگارند. اما حکم و فرمان خداوند بر آن جاری شده است که آن روز، یعنی روز ظهور مهدی و روز نابودی شیطان، حتماً فرا می‌رسد و ما، برخلاف خواسته‌ی شیطان، دعا می‌کنیم تا هرچه زودتر آن حادثه به‌وقوع بپیوندد و همان‌گونه شود که امام صادق علیه‌السلام فرمود: «وقت معلوم که شیطان تا زمان آن مهلت یافته است، روز قیام قائم است. هنگامی که خداوند او را برانگیزد، به مسجد کوفه می‌آید و ابلیس هم درحالی که با خواری و خفت روی دو زانو می‌خزد، می‌آید و می‌گوید: ای وای بر من از امروز! آنگاه مهدی علیه‌السلام موی جلوی پیشانی‌اش را می‌گیرد و گردنش را می‌زند. آری، آن روز، همان وقت معلوم است. منتهای اجل و آخر مهلت شیطان». بدین ترتیب، دشمن‌ترین دشمنان امام زمان، شیطان است و هموست که تمامی دشمنی‌ها را علیه حضرت صاحب‌الزمان راهبری می‌کند. ما نیز باید به دشمنی با شیطان و دشمنان امام زمانی که یاران شیطان‌اند، برخیزیم. در دوران غیبت حضرت حجت علیه‌السلام دشمنی ما با شیطان در این گونه امور رخ می‌نماید:

- پایداری در ایمان و اعتقاد به امام زمان.
- بلندآوازه کردن نام و یاد مهدی در میان شیعیان
- معرفی آن حضرت به افراد خوش زمینه و پاک‌سرشت
- دفاع علمی و خردمندانه از حریم ولایت حضرت مهدی علیه‌السلام
- دعا برای تعجیل در فرج امام زمان
- اصلاح خود و شیعیان در راستای حکومت صالحان

منابع:

۱. فاضلی، ن. "لذت گفت و گو با امام زمان". مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، چاپ سوم، ۱۳۸۷.